



بنام کردستان بزرگ

Under Name of Great Kurdistan

دوستان عیب نکنند که چرا دل به تودام!
باید اول به توگفتن که چنین خوب چرائی؟

کتاب کرد و کردستان

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دائمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم : محمد قاضی

1363

گودآورنده

سرهنک چیا

فصل یازدهم

زندگی معنوی کردها- مذهب

4 . رویه کردن در برابر یزیدیان .

در میان ادیانی که در کردستان رایجند یزیدی نیز مذهبی است که بعضی کردها پیر-
وآن هستند. این مذهب به عقیده **پروفسو مار** باید همان کیشی باشد که بیشتر کرد-

ها پیش از گرویدن به دین اسلام پیرو آن بوده اند.

پیش از پرداختن به تجزیه و تحلیل این آیین اجازه می‌خواهم در این جا قصه ای را نقل کنم که روشنگر رویه و رفتار کردهای مسلمان در قبال برادران یزیدی خویش است، و با این قصه به سیر نظرات و ملاحظات خود در باره اسلام کردی خاتمه می‌دهم. از طرفی باید به این نکته هم اشاره کنیم که اگر در اینجا صحبت بر سر یک مناظره یا یک جر و بحث آرام است، **برعکس**، در جنگ بین عشایر کردها اگر یزیدیان را هم قتل عام نکنند ایشان را به بردگی می‌گیرند **توضیح: ((** یزیدیان در بخش شیخان "منطقه موصل" و بر جبل سنجار، در 160 کیلومتری مغرب موصل، در ناحیه دیابکر و حلب، و نیز در ارمنستان شوروی و در نزدیکیهای تفلیس ساکنند. تعداد تقریبی ایشان امروزه نباید از 60 تا 70 هزار بیشتر باشد، و حال آنکه در نیم قرن پیش به 120 تا 150 هزار نفر می‌رسید)). **مولف** قصه ما که نشتر جنبه طنز دارد و عنوان آن چنین است: **حیکایتی علی بگی و ملایتی حوسینیان و کوچکت داسنیان**؛ این حکایت مربوط به بحث و مناظره ای است بین ملایان مسلمان (**ملایتی حوسینیان**) و روحانیون یزیدی موسوم به: (**کوچک**) در کردستان. مناظره در خانه علی بیگ دسایه **Dasaye** در می‌گیرد که در آن زمان رئیس فرقه یزیدیان بوده است (**داسنی** به زبان کردی، دسایه به زبان سریانی و دواسین جمع داسین به زبان عربی نامهای عشیرتی هستند و ربطی به نامهای مذ-هبی ندارند). علی بیگ یکی از علاقمندان پرو پا قرص این گونه برخوردها و بحث‌ها بود و در آن همیشه بیطرفی کامل اختیار می‌کرد. باری، **کوچکها** در آن جلسه ادعا کردند که به موجب پیشگوییهای امامشان شیخ هادی، فرشتگان و پادشاهان را در آسمانها می‌بینند، و نیز نهنگها و چیزهای دیگر را، و این منطق است با غیبگوییهای پیشوای روحانیشان. ملاها به عنوان دلیل عادی حقانیت دین اسلام اظهار کردند: پیغمبری آمده و خود رافرستاده از جانب خدا معرفی کرده و اعلام نموده است که حاضراست جانش را برای تایید و تثبیت آیینش فدا کند؛ کلمه **لااله الاالله** و بسط و گسترش نفوذ این کلمه در دلهای مردمان خردمند و منصف خود بهترین دلیل بر حقانیت آن است. **علی بیگ** پس از آنکه مدتی بحث و مناظره را دنبال کرد به نوکرها فرمان داد که غذا بیاورند. برای **ملایان** بشقابهای پلو با تکه های گوشت چاق و چلهء گوسفند آوردند و در جلو ایشان گذاشتند، لیکن سهم **کوچکها** فقط ظرف پلو بود بدون گوشت. ایشان دست به غذا نبردند و به میزبان برای این تبعیض پر-خاش کردند. آنگاه علی بیگ توضیح داد که در زیر پلو ایشان نیز به همان اندازه

که برای ملایان گذاشته اند گوشت نهفته است، و به گفته افزود: ((شما که ادعا می کنید چیزهای نا پیدا را در آسمان میبینید من فکر کردم لابد گوشت را نیز که عمداً لای پلو پنهان کرده اند خواهید دید.))

5. آیین یزیدی.

(الف) نظریهء مبنای اسلامی آن.

این نظریه در کتاب **روزه لسکو** تحت عنوان تحقیق در بارهء یزیدیان سوریه و جبل سنجار (خاطرات مربوط به موسسهء فرانسوی دمشق، جلد چهارم، چاپ 1938) مطرح شده است که به روشن نمودن مسئله کمک می کند. موسس آیین یزیدی، شیخ

عدی (به کردی هادی) بن مسافر بود که بین سالهای 1073 و 1078 در سوریه متولد شد و تقریباً در نود سالگی وفات یافت. در بغداد، که نیمهء اول عمرش را در آنجا گذرانید، با شیخ **عبدالقادر گیلانی** آشنا شد. شیخ **عدی** چند رساله از خود بر جا گذاشته که بیانگر کیش و طریقت او است. **روزه لسکو** مدعی که آیین یزیدی از هیچیک از اصول اسلامی منحرف نشده است و در آن هیچگونه خصوصیتی که حاکی از متاثر بودن از تعصب یزیدی باشد وجود ندارد. با این وصف، باید متذکر شد که به موجب تفسیرهای شیخ **عدی** در بارهء ذات باریتعالی، این خداوند است که شیطان و بدی یعنی شر را آفریده است، و در این باره می گوید: ((اگر بدی مستقلاً و بدون دخالت ارادهء خداوندی وجود می داشت خدا در دفع آن نا توان می بود، و یک موجود ناتوان نمی تواند خدا باشد)).

به نظر بعضی از پدران روحانی کلیسای رم شرقی (مثلاً **Zosime** و پاندرو **Pandore**) که در مصر زندگی میکردند، فرشتگان ساقط شده از مقام ملکوتی بایستی برای آدمیان بهمان عنوان زجر کشیده باشند که مثلاً **پرومته** ربایندهء آتش کشیده است، به جرم اینکه خواسته بود آدمیان را از نعمت آتش برخوردار کند (رجوع شود به **D. Mereijkovsky** در کتاب راز غرب، به زبان روسی، چاپ بلگراد صفحات 70 و 82).

عدی پس از ترک بغداد به هکاری رفت و در خرابه های صومعه ای از آن مسیحان، در لالش **Laech** مستقر گردید. ریاضتها، نماز و روزه ها و معجز نماییهای اوموجب شد که بر تمامی آن منطقه اقتدار و نفوذ روحانی عظیمی پیدا کند. پس از مرگ او،

در اندک مدت دو دستگی شدیدی در میان مریدانش بوجود آمد که با یکدیگر به رقابت برخاستند: یکی متعصبین مسلمان، و دیگری ملحدان که در اقلیت بودند. پس از یک قرن مبارزه داخلی، آخر گروه دوم در کردستان و گروه اول در مصر و سوریه پیروز شدند. در پایان قرن سیزدهم بود که شریعت یزیدی شکل میگرفت، با این حال هنوز در تبلیغات خود سخن از پرستش شیطان به میان نمی آورند، و این کار در دوران دیرتری برملا شد.

اعتقاد به امامت یزید بن معاویه خلیفه اموی و به قدیس بودن **عدی**، و اعاده حیثیت از شیطان از مهمترین خطوط برجسته آیین یزیدی هستند، مضافاً بر اینکه این آیین احتمالاً از یک عامل خرافات هم که هنوز در باره آنها بقدر کافی مطالعه نشده تاثر پذیر است. **روژه لسکو** در این مورد از رسالهء من تحت عنوان ستایش کرد از سنی گری نام می برد که من در آن مثالهای زیادی در این زمینه بدست داده ام؛ البته بی آنکه ذره ای از ارج و قدر اثر معروف اسلام شناس برجسته، **میکل آنجلو گیدی Michel Angele Guidi** مولف ((نظریهء اسلامی بودن آیین یزیدی)) بکاهم، معتقد باهمیت تاثیر آن عامل خرافات هستم. و به همین دلیل است که لازم دانستم نظریهء **پرفسور ن. مار** را، که بموجب آن کیش یزیدی باید در رابطه با همه عوامل محیطش مورد مطالعه قرار گیرد، در اینجا بیاورم.

من در اینجا وارد جزئیات اثر **روژه لسکو** که در دسترس هر خواننده ای قرار دارد، نمی شوم، و تنها بس می کنم به اینکه چند نکته ای از آن را برای کتاب خود بردارم. از جمله، یکی در باره این اصل مذهب یزیدی معاصر است (اعتقاد به خدای واحد که اداره امور دنیا را به دستیاران خود یعنی هفت فرشتهء مقرب واگذار کرده است)، و از عجایب آنکه در فهرست اساسی این گفت ملک مقرب که در فرقه های مختلف تغییر می کند به نام **شیخ منصور حلاج** هم بر می خوریم. ظاهراً به نظر می رسد که برخورد بین صوفیان مسلمان و یزیدیان روی داده است، و **روژه لسکو** در کتاب خود (صفحه 40، شماره 2) به آن توجه دارد.

آخرین نمایندگان فرقهء حلاجیه در قرن پنجم هجری در حلقهء درویشان قادریه، که **عدی**، با موسس آن آسنا بود، حل شدند. بعلاوه **روژه لسکو**، ضمن پرسش از خود که چرا یزیدیان نفس شر یعنی فرشته طاووس را تجلیل میکنند (فرشته ای که مندوبیها در روزها و تخته چپها نیز به آن ایمان دارند) از عده ای از صوفیان مسلمان قرنهای

پنجم و ششم هیجری نام میبرد که در اندیشه مسئله ملعنت ابلیس بوده اند، عباد- لقادر گیلانی، حلاج، ابن عربی و احمد غزالی را نظر بر این بود که اگر شیطان از سجده کردن به آدم و از ستایش او به نحوی که تنها در خور مقام خداوندی است امتناع کرده است این امتناع و صرفاً به سبب عشق و سرسپردگی فوق العاده اش به خداوند بوده است (نزدیک به عقیده بعضی از پدران روحانی کلیسای روم شرقی که در بالا به نامشان اشاره کردیم). این صوفیان بجای اینکه شیطان را در خور لعن و نفرین ابدی بدانند به مومنان توصیه می کردند که او را تجلیل کنند. ضمناً در خور تذکر است که نخستین اشاره به آیین محترم شمردن شیطان از قرن هفدهم است، و حال آنکه نخستین گواهیهای نوشته درباره یزیدیان به قرن دوازدهم مربوط می شود.

به قسمتی که مشعر بر ذکر واجبات دینی (نماز و روزه و اعیاد و قربانیا و محرما ت) است بین نکته را اضافه می کنم که اوستیاها: (کردهای ساکن قفقاز) یک بره را هم به نام خدای شریعی شیطان قربانی میکنند (رجوع شود به کتاب تمدن قفقاز نوشته آ. بیهان Byhan، چاپ 1936 پایو، صفحات 222-223). آیا نباید گفت که در این کارایشان یک فکر ایرانی نهفته است، از آن رو که هر دو ملت از یک خانو اده اند؟ درباره تصویرهای فلزی (سنجاق) نشان دهنده شکل طاووس، که مبلغان مذهبی یزیدی (قوال) در گشتهای سالانه خویش با خود حمل می کنند، در نزد اوستیاها نیز یک "روح خروس" دیده می شود که جزو ضروریات مجالس عزاداری و مراسم تدفین است. به هر حال همان طاووس یزیدی است که گاهی اوقات خروس هم نامیده می شود (همان کتاب، صفحه 77، شماره 2، در باب تحریم جوجه).

بنابراین روزه لسکو معتقد به نظریه آنجلوگیدی سابق الذکر است که یزیدی ریشه در اسلام دارد؛ و البته در کنار اصول اسلامی معتقدات و خرافاتی هم متعلق به ایران در آن تشخیص می دهد که "کم کم و به تدریج که کیش یزیدی مسلمان بودن پیشین خود را فراموش میکرد در صف اول آن اصول قرار گرفتند". من به سهم خود مسلمان نبوده ام (همچنی رجوع شود به ت. منزل Th Menzel در مقاله یزیدیان در شرق ایران که همه عوامل این آیین فلسفی و عجیب را نیز بر می شمارد).

نظریه پرفسور ن. مار که از این پس در همین کتاب خواهد آمد، به عقیده من کرد های یزیدی را در "اقلیم" واقعی خود قرار خواهد داد. آیین شیخ عدی را مریدان

کردش به ذوق و سلیقه خوددستکاری کردند، تا به همین شکل الحادی که چیزی از اسلام در آن وجود ندارد پراکنده شد، زیرا زمینه‌آوردی داشت که آن را به همین شکل بپذیرد. پیش از ظهور شیخ عدی، در محیط‌کردان مجموعه‌ای از اصول نظری و علمی مذهبی وجود داشت که کردها آنها را از خودشان در آورده بودند و غیر اسلامی بودن آنها کاملاً آشکار بود، لیکن به تدریج تحت تاثیر عوامل مختلف، که پرفسور مار در اثر خود غنای آنها و نقاط تماس و وابستگیهای دو جانبه‌گوناگون آنها را به ما نشان می‌دهد پخته شدند. آیین یزیدی در واقع چیزی بجز یکی از مراحل تحول مذهبی نبوده است. مهم این است که چشم انداز راگم نکنیم و بدون درنظر گرفتن حد و مرزهای محیط‌کرد خود را در قالب خشک آیین یزیدی مقید نسا. زیم. از طرفی کاملاً با **روژه لسکو** موافقیم که در کتاب خود (در صفحه 81 شماره 2) چنین میگوید: ((... آن روز که مدارک کافی درباره فلکلور کردی گردآوری شود تمام نکته‌های راجع به آیین یزیدی طغیی خواهد یافت)).

در باره سلسله مراتب مذهبی (فرقه‌ها) یزیدی (شیخ، پیر، فقیر، قوال) که **روژه لسکو** در پایان کتابش تحت مطالعه قرار میدهد و آن را بطریقت مرتاضانه تاسیس یافته به وسیله **شیخ عدی** پیوند می‌دهد، و نیز در آن بقایای عناوین صوفیگری را می‌بیند، شاید بتوان تحقیقات عمیقتری به عمل آورد؟ من به ساختار عشیرتی کرد می‌اندیشم (تقارن مقام شیخ و خلیفه هایش با مقام میر و آقا و غیره) و نیز به تاثیر احتمالی جوامع مسیحی مانند نسطوریهای کوه نشین که پر طاووس به کلاه خود میزنند، و به "ابونه اسقف" ها که مرشیمون کافر کلاه اسقفی بر سرشان گذاشت؟.

روژه لسکو در خاتمه می‌گوید که نظام فرقه‌ای از اصول جامعه یزیدی است. رو-سای روحانی اغلب از اقتدار برتر از اقتدار روسای موقت برخوردارند. این نظریه **لسکو** خوشبختانه موید نظری است که من همیشه خواسته‌ام خاطر نشان سازم: ادراک مذهبی کردان همیشه با طرز تفکر عشیرتی ایشان همگام است و هر دو درهم ادغام می‌شوند و عمیقاً بر هم تاثیر می‌گذارند.

Socin در مورد هنرنماییهای جنگی یزیدیان در قسمت دوم کتاب سابق الذ-کر خود، صفحه 260 نمودارهایی بدست می‌دهد، و همچنین قصه **احمد چرشاچی** را با یک آواز غنایی برای ما نقل می‌کند (همان کتاب، صفحه 270). در تاریخ **محمد امین ذکی** نیز (صفحه 399) بندی را که به **داسنیها**، یعنی به یزیدیها،

اختصاص داده شده است می یابیم. . . ادامه دارد

6 . آیین یزیدی از دید پرورسور مار

Chia.rabii@yahoo.com

2010-07-25

مالمو سوئید.